

**زندگی نامه**  
**قاضی سید نورالله مرعشی شوشتری**  
اثر: حجة الاسلام سید محمدتقی حکیم  
مدرس دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران  
(ص ۱۳ تا ۳۲)

**چکیده**

قاضی سید نورالله مرعشی شوشتری از علمای مشهور قرن دهم و یازدهم هجری در سال ۹۵۶ هجری قمری در شوشتر متولد گردید. تحصیلات خود را در شهر شوشتر شروع و در مشهد مقدس تکمیل نمود و سپس به هندوستان مهاجرت کرد و از طرف سلطان هند محمد جلال الدین اکبر قاضی الفضا گردید و بدین مناسبت به قاضی شهرت یافت. در سال ۱۰۱۹ هجری قمری با سعایت حسودان در سن حدود هفتاد سالگی شهید شد و در آگر (از ایالت اترپردیش هند) مدفون گردید. قاضی سید نورالله در جهان اسلام به فضل و کمال و تقوا شهرت دارد.

قاضی سید نورالله پیشوائی موفق، عالمی مؤید، ادیبی گرانقدر، فقیهی بارع و مورخی امین بود. در علوم عقلی و نقلی متبحر و در مناظره، بحث و تحقیق مهارت داشت. بیش از یکصد و چهل جلد کتاب و رساله از او به جای مانده و اشعار عربی و فارسی نغزی سروده است.

**واژه های کلیدی:** اصطلاحات، تشبیه، براعت استهلال، مدح، هجو.

## مقدمه:

یکی از چهره‌های خدوم در عالم اسلام، قاضی سید نورالله مرعشی شوشتری است. تحقیقات این فرزانه موفق که همراه با محکمترین و زیباترین ادله علمی و فنی است، همیشه مورد استفاده اندیشمندان و پژوهشگران بوده و خواهد بود. در این مقاله کوچک با این عالم بزرگ آشنا می‌شوید و از خدمات ارزنده وی نسبت به دین و مذهب آگاهی می‌یابید.

نام وی «نورالله» و لقب او «ضیاءالدین» و از سادات عالی درجات مرعشی بوده است. نسب قاضی سید نورالله بابیست و چهار واسطه به امام زین العابدین «ع» می‌رسد (الثالثی. ص ۸۲-۸۳). مادر قاضی سید نورالله بانویی با شرافت و فضیلت به نام فاطمه مرعشی و دختر عموی پدر او بوده است. (الثالثی. ص ۸۲)

پدر قاضی سید نورالله علامه بزرگوار، استاد علوم سمعی و عقلی، سید شریف‌الدین بوده است. سید شریف‌الدین از شاگردان فقیه مشهور «شیخ ابراهیم بن سلیمان قطیفی» بوده است. سید شریف‌الدین کتاب ارشاد در علم فقه نزد این استاد محترم بر خواند. شیخ اجازه‌ای برای او نوشت و در آن اجازه از سید شریف‌الدین تجلیل فراوان کرده و او را به دانش و بزرگی ستوده (الثالثی. ص ۸۳) و بخصوص درباره او نوشته است: «افاده سیدبیش از استفاده او بوده است.» (فردوس. ص ۲۳)

مؤلفات و مصنفات سید شریف‌الدین عبارتند از:

- ۱- رساله حفظ الصّححه در طب.
- ۲- رساله ای در اثبات واجب.
- ۳- رساله ای در شرح خطبه شقشقیه.
- ۴- رساله منشآت .
- ۵- رساله ای در فن مناظره.
- ۶- رساله مناظره گل و نرگس (فردوس. ص ۲۳).

سید شریف الدین طبع شعری داشته و اشعاری نغز و شیوا سروده است،  
از آن جمله :

شب بی تو ز دیده سیل خون می‌گذرد روزم همه در مشق جنون می‌گذرد  
دور از تو شبم چنان بود، روز چنین اوقات شریف بین که چون می‌گذرد

\*\*\*\*\*

ناگفته به هم سخن زبان من واو دارد خیر از هم دل و جان من واو  
بی واسطه گوش و زبان از ره چشم بسیار سخن هاست میان من واو

\*\*\*\*\*

گر خون تو ریخت خصم بد گوهر تو شد خون تو سرخ رویی محشر تو  
سوزد دل از آنکه کشته گشتی و جوشمع جز دشمن تو کس نبود بر سرتو

(فردوس، ص ۲۴)

### فرزندان قاضی سید نورالله

قاضی سید نورالله مرعشی پنج پسر داشته که همگی از علما و فضیلا عصر  
خود و بعضی از آنان صاحب تألیفات ارزنده‌ای بوده‌اند، بدین ترتیب: ۱- سید  
شریف. ۲- سید محمد یوسف. ۳- علاء الملک. ۴- ابوالمعالی.  
۵- میرعلاء الدوله (فردوس، ص ۳۷-۴۴).

### مرعشی

درباره کلمه مرعش که مرعشی با یاء نسبت، منسوب به آن است، اختلاف  
نظرو وجود دارد، که به اختصار ذکر می‌شود: مرعش نام شهری از شهرهای شام است  
و چون علی بن عبدالله بن الحسن بن حسین الاصغر بن الامام سید الساجدین جد  
سادات مرعشی در آنجا سکونت داشته به مرعشی مشهور شد.

مرعش به معنی کبوتر بلند پرواز است و عَلی نامبرده به این مناسبت ملقب به مرعشی شد که از لحاظ علم و فضیلت بلند مرتبه بوده است .  
مرعش به معنی رعشه و عَلی فوق الذکر حالت ارتعاش داشته است، لذا به مرعشی شهرت یافت .  
مرعش اسم شهری در جزیره موصل است. مرعش نام شهری بین ترکیه و شام است. مرعش اسم قلعه ای بین ارمنیه و دیار بکر است (الثالی. ص ۱۱۷-۱۱۸).

### سادات مرعشی

سادات مرعشی چهار دسته اند:  
دسته اول: سادات مرعشی مازندران .  
دسته دوم: سادات مرعشی شوشتر که در اصل از مازندران به آنجا آمده اند.  
دسته سوم: سادات مرعشی اصفهان که ایشان نیز از مازندران به اصفهان آمده اند.  
دسته چهارم: سادات مرعشی قزوین (مجالس المؤمنین. ج ۱، ص ۱۴۸)  
نخستین کسی که از سادات مرعشی از مازندران به شوشتر آمد، سید نجم الدین محمود بوده است (گلستان پیغمبر. ص ۴).

### شوشتر

دارالمؤمنین شوشتر با قدمت چند هزار ساله که در تاریخ اسلام و فرهنگ ایران جای ویژه ای دارد، در آستان خوزستان واقع و از شمال به کوهستان بختیاری و از شرق به مسجد سلیمان و از غرب به شهر دزفول و از جنوب به شهر اهواز محدود می شود (تاریخ جغرافیایی خوزستان. ص ۱۱۴).

از شهر شوشتر علمای بنام مانند: قاضی سید نورالله مرعشی شوشتری، محدث کبیر، سید نعمت الله جزایری و فقیه واعظ حاج شیخ جعفر شوشتری رضوان الله

تعالیٰ علیهم بر خاسته‌اند.

در این اواخر حضرات آیات عظام: حاج سید محمد حسن آل طیب، حاج سید محمد موسوی جزایری و علامه محقق متنبع حاج شیخ محمد تقی شیخ از مفاخر آن دیار و جهان اسلام به شمار می‌آیند.

### تحصیلات قاضی سید نورالله

قاضی سید نورالله تحصیلات خود را در شهر شوشتر شروع کرد و از افاضل آن شهر کسب فضل و دانش نمود. کتب اربعه، فقه، اصول و علم کلام را در محضر پدر بزرگوار خود سید شریف الدین بخواند. (الثانی، ص ۸۴) در ماه ربیع الثانی سال ۹۷۹ از شوشتر به عزم زیارت حضرت رضا (ع) و تحصیل علوم و تکمیل نفس به مشهد مقدس رهسپار شد. غره ماه مبارک رمضان سال نامبرده به مشهد وارد و در آنجا اقامت گزید. قاضی با جدیتی بسیار در مشهد به مطالعه علوم دینی و معارف یقینی پرداخت و در خدمت محقق نحریر مولانا «عبدالواحد» شوشتری که از فحول علمای آن ارض اقدس به شمار می‌رفت و دیگر اساتید آن سامان، به تحصیل فضائل و کمالات اشتغال ورزید.

قاضی سید نورالله توفیق یافت دوازده سال را در آن سرزمین مقدس به کار تحقیق علمی ادامه دهد و از معارف الهی دل خویش را روشن سازد، تا اینکه حوادث دوران و فتنه‌های زمان، آن مرد الهی را از اقامت در آن تربت پاک بازداشته و به ترک آن دیار و ادار نمود.

قاضی سید نورالله در غره سنه ۹۹۲ از مشهد مقدس خارج و به سمت هندوستان حرکت کرد. (فردوس، ص ۲۵) هنگامی که به هندوستان وارد شد، از طرف سلطان هند (اکبر شاه) قاضی القضاة گردید و بدین مناسبت به قاضی شهرت یافت. قاضی سید نورالله در هند به کار قضاوت اشتغال ورزید و طالبان علم را که از دور

و نزدیک به سوی او می آمدند از محضر گرم و پر فیض خویش مستفیض می نمود تا اینکه در سال ۱۰۱۹ هجری قمری به واسطه سعایت تنی چند از حسودان درس حدود هفتاد سالگی شهید و دراکبرآباد (اگره) دفن گردید. مرقد قاضی سید نورالله یکی از زیارتگاههای مشهور هند است که مسلمانان و هندوها آن را زیارت می کنند و برای اوندورات می آورند و به آن تبرک می جویند. بعضی از راجه ها و اشراف آن منطقه قبه و بارگاه او را بازسازی و موقوفه های برای آن وقف نموده اند. (الثالی، ص ۱۶۱-۱۵۸)

آری، میدان علم و دانش است و جولانگاه فضیلت. صحنه ای است از اقامه دلایل حق و عرضه کردن براهین عقلی و منطقی. یکه تازی در این میدان وارد می شود و با کمال دلآوری مبارز می طلبد. اما در برابر او حریفی متکی به استدلال صحیح یافت نمی شود و زورمندی مجهزه سلاح عقل و منطق وجود ندارد. هر که هست همه ناتوان. و از جواب گوئی به ادله متقن، عاجز پس تکلیف چه می شود؟ و دشمن ضعیف در برابر این رزمجوی قوی چه باید بکند؟ یا باید تسلیم شود و یا ناجوانمردانه آن شجاع را از پای در آورد. جهل، نخوت و تعصب، که اجازه تسلیم نمی دهد، پس به ناچار باید صورت دوم را برگزید. قاضی سید نورالله دلآوری است که فدایی چنین صحنه ای شده است.

### شهید ثالث یا شهید رابع؟

بعضی از مورخان، افرادی را که از علما و ارباب فضل و دانش، به فیض شهادت نائل آمده اند، تحت عنوان شهید بدین ترتیب نام می برند:

"محمد بن جمال الدین مکی عاملی جزینی" مؤلف کتاب "اللمعة الدمشقیة" شهید اول.

"زین الدین جبل عاملی" مؤلف کتاب "الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة"

شهید ثانی.

"قاضی سید نورالله مرعشی شوشتری مؤلف کتاب "احقاق الحق"  
شهید ثالث. (الثالی، ص ۱۶۱)

و بعضی از مترجمان و تذکره نویسان، مولا عبدالله بن مولا محمود شوشتری را که  
در بخارابه درجه شهادت رسیده، شهید ثالث و قاضی سید نورالله را شهید رابع  
می دانند. (روضات الجنات، ج ۴، ص ۲۳۰)

### اساتید قاضی

قاضی نورالله مرعشی در راه کسب علم و فضیلت از محضر علمای بزرگ عصر  
خویش، استفاده و استفاضه نموده است، از آن جمله :

۱- پدر قاضی علامه سید محمد شریف الدین که قاضی، علوم آلی، فقه، حدیث،  
تفسیر، کلام، ریاضیات و غیره را از او آموخته است .

۲- مولیٰ عبدالواحد شوشتری ساکن مشهد که عمده تلمذ و بیشتر قرائت قاضی  
نزد او بوده است. علم فقه، اصول فقه، کلام، حدیث، تفسیر و غیره را از او فرا گرفته  
است .

۳- مولیٰ محمد ادیب قاری شوشتری که علوم ادبی و تجوید قرآن شریف را نزد  
او خوانده است .

۴- مولیٰ عبدالرشید شوشتری فرزند خواجه نورالدین طبیب صاحب کتاب  
"مجالس الامامیه" در اعتقادات که از کتاب و سنت اخذ شده است و یک نسخه از آن  
موجود است و در پشت جلد کتاب مزبور آمده است که مؤلف (مولیٰ عبدالرشید)  
از اساتید صاحب کتاب "مجالس المؤمنین" (قاضی نورالله) و از کسانی است که  
اجازه روایتی به او داده است .

و در بعضی از مجموعه ها آمده است که "مولیٰ عبدالرشید" از شاگردان

"قاضی" بوده است. بنابراین ممکن است که هر کدام از آن دو عالم بزرگوار، استاد دیگری در بعضی از علوم بوده است، والله اعلم. و از کتاب "ریاض" چنین برمی آید که قاضی از "مولیٰ عبدالوحد شوشتری" علمی فراگرفته است که گمان می رود "مولیٰ عبدالوحد" همان "مولیٰ عبدالواحد" نامبرده باشد. (اللتالی، ص ۸۸)

#### شاگردان قاضی و کسانی که از او اجازه روایت داشته اند:

- ۱- پسر بزرگ قاضی، سید شریف که از افاضل عصر خویش بوده است. از والد خویش و از مولیٰ عبدالله شوشتری و از شیخ بهائی علمی رافرا گرفته است. حاشیه ای بر تفسیر بیضاوی دارد و در سال ۱۰۲۰ هجری قمری وفات نموده است.
- ۲- پسر دوم قاضی، علامه سید محمد یوسف.
- ۳- علامه شیخ محمد هروی خراسانی چنانچه در شجره سادات مرعشی آمده است.
- ۴- مولیٰ محمد علی کشمیری ساکن مشهد که اجازه ای از قاضی دریافت کرده و قاضی صریحاً او را از تلامذ خود شمرده است.
- ۵- سید جمال الدین عبدالله مشهدی که قاضی اجازه مشترکی برای او و کشمیری نامبرده و دیگران نوشته است.
- ۶- سید علاء الملک پسر سوم قاضی، چنانچه بعضی نوشته اند. (اللتالی، ص ۸۸-۸۹)

بخش دوم: آثار علمی و هنری قاضی سید نورالله:

قاضی سید نورالله و شعر

قاضی سید نورالله در سرودن شعر عربی و فارسی دارای طبعی روان بود و از فنون نظم آگاهی کامل داشت. دیوان بزرگ شعری دارد و به "نوری" تخلص می کرد. اینک نمونه ای از اشعار عربی او که در مسئله حسن و قبح آورده و به وسیله



آن‌ها فضل بن روزبهان را رد کرده است: (الثالثی، ص ۹۸-۹۷)

یامن یسفسط فی تقریر مذهبه      بأن عن حکمه عقلا لمعزول  
رسول عقلک سیف یستضابه      مهتد من سیوف الله مسلول  
ان کنت تنکر حکم العقل فی حسن      وقلت القبح قبل الشرع مجهول  
فالحسن منک لفرط القبح مهروب      والعقل منک لفرط الجهل معزول

نمونه ای از شعر فارسی او: (الثالثی، ص ۱۰۲)

عشق تونهای ست که خواری ثمر اوست      من خاری از آن بادیه ام کاین شجر اوست  
برمائده عشق اگر روزه گشایی      هشدار که صدگونه بلا ما حاضر اوست  
وه کاین شب هجران تو بر ما چه دراز است      گویی که مگر صبح قیامت سحر اوست  
فرهاد صفت این همه جان‌کندن "نوری"      در کوه ملامت به هوای کمر اوست

### قاضی سیدنورالله ونثر

کلام قاضی سیدنورالله در نثر عربی و فارسی با مضامین عالی و اشارات و کنایات و تشبیهات جالب، بدون شک هر خواننده‌ای را جلب و به سهولت به هدف و منظور متکلم و نویسنده می‌رساند.

کلمات وی زیبا و بجا، جملات وی مبین و رسا و عبارات وی از همه نکات فصاحت و بلاغت برخوردار می‌باشد. مؤلفات عربی و فارسی او بهترین دلیل و گواه این مدعا هستند. قاضی سیدنورالله هر جا که مقدمه کتابی را می‌نگارد یا درباره کتابی تقریظ می‌نویسد، براعت و استهلالی بسیار شیرین می‌آورد.

درجایی که شخص یا مکانی را به نیکویی وصف می‌کند، چنان به توصیف جزئیات آن می‌پردازد که خواننده را بی اختیار شیفته آن شخص یا آن مکان می‌نماید.

قاضی سیدنورالله در مقدمه کتاب "الصوارم المهرقه" که ردبر کتاب "الصواعق

المحرقة "تألیف ابن حجر هیتمی می باشد، چنین می نویسد:  
 الحمد لله على ما حجر عنا حجارة ابن حجر وصير نار صواعقه رماداً بلا اثر، فبهت الذي  
 كفرو كانه التقم الحجر والشكر على ما ايدنا الصوارم حُجج قاطعة حاكمة فيما شجر  
 واعلمنا ان على الحق الذي لا يزدجر ولو ساقونا الى سعفات هجر. ثم الصلوة على سيد الوبرو  
 المدر الذي سبّح في كفه الحصى واستلمه الحجر وعلى اثنتي عشرة عيناً باشارتهم الى  
 الحجر، قد نبع المأمنه وانفجر وشهدت بامامتهم البيت والركن والحجر. (الصوارم المهركة، ص ۲)  
 فرازی از تقریظ قاضی سید نورالله بکتاب تفسیر "سواطع الالهام" تألیف شیخ

ابوالفیض لاهوری از علمای قرن یازدهم هجری قمری :

الحمد لله مفيض سواطع الالهام و منزل كلام ليس في اعجازه كلام، الذي فضل طه على  
 سائر انبيائه الكرام ومدّآل عمران رجلاً و نساءً مائدة الانعام والصلوة والسلام على نبيّه  
 المؤيد بقرآن صامت هو افصح خطاب و ابلغ كلام، المعزز بفرقان ناطق هو افضل حاكم  
 و افضل امام و على آله الذين آل اليهم حفظ كلام الملك العلام و نال المتمسك  
 باذيلها و المقتبس من انوارهما النجاة عن غيابة الضلالة و غياهب الظلام. (الثالثي، ص ۱۰۳)

قاضی سید نورالله در وصف بقعه امامزاده عبدالله که در جنوب شهر شوشتر  
 بر روی تپه ای واقع است، چنین می گوید:

آسمان از عتبات علیه او آستانه ای و کهکشان از خیابان کوچه باغ او نشانه ای.  
 کرسی عماراتش را اگر عرش گویم رواست و گنبد فائض النور او را اگر طور خوانم  
 سزاست. هوای دلگشایش چون روایح انفاس عیسوی روح افزا و فضای صحن  
 جانفزایش چون ید بیضای موسوی معجز نما. (مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۷۲)

قاضی سید نورالله در وصف بعضی از صوفیه چنین می آورد:

نزد سالکان مسالک طریقت و مؤسسان قواعد شریعت و حقیقت، مقصود از  
 ایجاد عالم و اختراع بنی آدم بعد از ایجاد جواهر زواهر انبیاء و ائمه هدی علیهم  
 صلوات الله الملك الاعلی، وجود فایض الجود این طایفه کرام و اصفیای عظام

کثرهم الله بین الانام است که بمیامن توفیق، از ادنی مراتب خاک به اعلی مدارج افلاک ترقی نموده‌اند و از حضيض خمول بشریه به اوج قبول ملکیه تلقی فرموده، از پرتوسراج و هاج و عکس شعاع لماع (بهدی الله لنوره من یشاء) باساکنان ملاءعلی و مطمئنان عالم بالا درسلک انتظام منخرط گشته و به مرتبه‌ای رسیده که عواقب امور قبل از ظهور، مشاهده نموده‌اند و خواتیم اشیاء پیش از بروز وجود، مطالعه فرموده، دعایم دین و دولت به میان همّت ایشان قایم و قوایم ملک و ملت به روابط وجود ایشان منتظم، پاکبازان بساط مردی و صدرنشینان صفه دردمندی، بحرآشامان جگر، دست‌افشانان بی پاوسر، گم‌گشتگان جاده سلامت و منزویان کنج ملامت، زنده پیلان ژنده پوش و زنده دلان صاحب هوش، خرقة پوشان خانقاه قدس و باده نوشان بزمگاه انس. (مجالس المؤمنین، ج ۲، ص ۲)

### مؤلفات قاضی

قاضی سید نورالله از اوقات پربرکت خود حداکثر استفاده را نموده و مؤلفات و مصنفاتی پرارزش در زمینه ادبیات، تاریخ، نجوم، فقه، اصول، رجال حدیث، تفسیر، کلام، منطق، حکمت و غیره از خود به یادگار گذاشت.

از آثار او به استعداد عجیب و فضیلت سرشار او می‌توان پی‌برد و اطلاعات عمیق و تحقیقات وسیع و دامنه دار او را متوجه شد.

پاره‌ای از مؤلفات قاضی سید نورالله عربی و برخی به زبان فارسی نگاشته شده است. "علاءالملک" فرزند قاضی در کتاب "فردوس" (فردوس، ص ۲۷۳-۳۱) مؤلفات والد خود را نود و چهار تألیف به شمار آورده و "محدث ارموی" در کتاب "فیض الاله" (فیض الاله، ص ۳۶) به نقل از کتاب "شهداءالفضیله" تألیف "علامه امینی" مؤلف "الغدیر" شماره آنها را نود و هفت کتاب و رساله نوشته است، بدین ترتیب:

۱- احقاق الحق. ۲- مجالس المؤمنین.

- ۳- شرح دعای "صبح و مساء" از علی (ع) بفارسی. ۴-النظر السليم.
- ۵- انس الوحيد در تفسیر آیه عدل و توحید. ۶- خیرات الحسان.
- ۷- شرح مبحث حدوث عالم از نمودج دوانی. ۸- شرح الجواهر.
- ۹- حاشیه بر مبحث أعراض کتاب "شرح تجرید". ۱۰- نورالعین.
- ۱۱- حاشیه بر حاشیه "تهذیب منطق" ملاجلال. ۱۲- ذکر الابقی.
- ۱۳- شرح اثبات واجب قدیم "ملاجلال". ۱۴- کشف العوار.
- ۱۵- حاشیه بر اثبات واجب جدید ملاجلال. ۱۶- دافعة الشقاق.
- ۱۷- رساله ای در اینکه وجود مسئله ای ندارد. ۱۸- نهایة الاقدام.
- ۱۹- رساله ای در اثبات تشیع سید محمد نوریخس. ۲۰- دفع القدر.
- ۲۱- رساله در رد مقدمات ترجمه "صواعق". ۲۲- حل العقال.
- ۲۳- حاشیه بحث عذاب قبر از "شرح قواعد". ۲۴- البحر الغزیر.
- ۲۵- رساله در رد رساله ای که در تصحیح ایمان فرعون است.
- ۲۶- عدة الامرء. ۲۷- حاشیه بر شرح خطبه موافق.
- ۲۸- تحفة العقول ۲۹- شرح بر رباعی شیخ ابوسعید بن ابوالخیر.
- ۳۰- موائد الانعام ۳۱- رساله ای در رد شبهه در تحقیق علم الهی.
- ۳۲- حاشیه بر رساله. ۳۳- رساله ای در مسح بردوپا و شستن آنها.
- ۳۴- اجوبه فاخره.
- ۳۵- "الصوارم المهرقه" در انتقاد از کتاب "الصواعق المحرقة".
- ۳۶- عشرة کامله. ۳۷- حاشیه بر "شرح شمسیه" در منطق.
- ۳۸- سبعة سیاره. ۳۹- حاشیه بر "شرح تهذیب الاصول".
- ۴۰- رساله در ادعیه. ۴۱- حاشیه بر جواهر "شرح تجرید".
- ۴۲- رساله جلالیه. ۴۳- رساله در اسطرلاب مشتمل بر صدياب.
- ۴۴- دیوان قصائد. ۴۵- حاشیه بر "شرح هدایه" در حکمت.

- ۴۶- سحاب المطر. ۴۷- ردّبر "حاشیه چلبی" بر "شرح تجرید" اصفهانی .  
۴۸- کتابی در منشآت نگارنده. ۴۹- رساله‌ای به فارسی .  
۵۰- شرحی بر "تهذیب الحدیث" . ۵۱- حاشیه‌ای بر "تفسیر بیضاوی" .  
۵۲- حاشیه دیگری بر تفسیر بیضاوی . ۵۳- حاشیه بر "مطوّل" .  
۵۴- حاشیه بر الهیات "شرح تجرید" ۵۵- حاشیه بر حاشیه قدیمه .  
۵۶- حاشیه بر حاشیه شرح تجرید. ۵۷- تفسیر آیه رؤیا.  
۵۸- حاشیه بر شرح چغمینی . ۵۹- حاشیه بر قواعد علامه .  
۶۰- حاشیه بر مختلف علامه . ۶۱- اللّمعه فی صلوة الجمعة.  
۶۲- تفسیر آیه "انما المشركون نجس" . ۶۳- رساله‌ای در بحث تجدید.  
۶۴- رساله‌ای در بیان انواع "کم" . ۶۵- رساله‌ای در امر عصمت .  
۶۶- جواب سوالات سید حسن . ۶۷- رساله‌ای در ردّ شیطان .  
۶۸- حاشیه بر تحریر "افلیدس" . ۶۹- شرح خطبه عضدی قزوینی .  
۷۰- رساله در ردّ ایرادات . ۷۱- حاشیه بر حاشیه خطائی .  
۷۲- گوهر شاهوار به فارسی . ۷۳- رساله در نجاست خمر .  
۷۴- رساله در مسئله موش . ۷۵- رساله در غسل جمعه .  
۷۶- رساله شرح مختصر عضدی . ۷۷- رساله‌ای در رکنیت دوسجده .  
۷۸- رساله‌ای در تعریف ماضی . ۷۹- مصائب التّواصب .  
۸۰- رساله‌ای در مسئله لبس حریر. ۸۱- رساله گل و سنبل .  
۸۲- شرح حال جعل کنندگان حدیث . ۸۳- رساله نمودج .  
۸۴- حاشیه بر خلاصه که شاید رجال علامه یا خلاصه الحساب شیخ بهائی  
باشد .  
۸۵- مجموعه‌ای به منزله کشکول که صاحب "ریاض العلماء" آن را به خط او  
دیده است .

- ۸۶- حاشیه قدیم . ۸۷- حاشیه بر شرح جامی بر کافیه ابن حاجب .
- ۸۸- دیوان اشعار . ۸۹- حاشیه بر تحقیق کلام بدخشی .
- ۹۰- النورالانور در مسئله قضا و قدر که در آن کتاب به رساله یکی از هندیهای معاصر خود را رد کرده است. و آن رساله در رد رساله "استقصاء النظر" امام علامه حلی است .
- ۹۱- حاشیه بر تهذیب؛ که منظور تهذیب شیخ طوسی یا تهذیب علامه باشد .
- ۹۲- رد آنچه شاگرد ابن همام در اقتداء جمعه به شفعویه که شاید منظور شافعیه باشد تألیف کرده است .
- ۹۳- رساله ای مربوط به قول علامه حلی در آخر کتاب شهادت از قواعد او که عبارت است از: "هرگاه شاهد قبل از حکم در شهادت خود زیاد و یا کم نماید".
- ۹۴- رساله ای در تفسیر قول خداوند متعال "فمن یردالله ان یهدیه یشرح صدره للاسلام" که در آن رساله کلام نیشابوری را در تفسیر آیه مزبور رد کرده و خود حواشی بر آن رساله دارد.
- ۹۵- رساله ای در رد کتابی که بعضی درباره نفی عصمت انبیاء نوشته اند.
- ۹۶- شرحی بر حاشیه تشکیک از جمله حواشی قدیمه .
- ۹۷- رساله ای در رد رساله کاشی که شاید آن رساله تألیف یکی از علماء عامه کاشان در رد امامیه باشد .
- آیه الله العظمی مرعشی نجفی در کتاب "اللسالی المنتظمه والدرر الثمینه" مؤلفات قاضی سید نورالله را، چه آنهایی را که در کتابها و تراجم دیده اند و چه آنهایی را که خودشان تحقیق نموده و به دست آورده اند، مجموعاً یکصد و چهل کتاب و رساله ذکر می کنند و سپس می نویسند: ما یقین داریم که مرحوم قاضی تألیفات دیگری دارد که در تراجم و شرح حال رجال، آنها را ندیده ایم و به نام آنها دسترسی پیدا نکرده ایم و علاوه بر آن یکصد و چهل تألیف، توضیحات و تقییداتی در فنون

مختلفه به عنوان حواشی کتابها دارد که به صورت کتابی مدّون درنیامده است.  
(اللتالی، ص ۸۹)

### تألیفات مشهور قاضی

از میان کتب و رسائلی که قاضی سید نورالله تألیف کرده، چهار کتاب شهرت دارد و نسخ آنها بیشتر در دسترس واقع شده است:

- ۱- احقاق الحق. ۲- مجالس المؤمنین. ۳- الصوارم المهرقه.
- ۴- مصائب النوائب.

بخصوص دو کتاب اول در میان علماء مشهور و متداول است، تا آنجا که بعضی از تذکره نویسان از تألیفات قاضی به این دو کتاب اکتفا کرده‌اند. (فیض الاله، ص ۴۴)  
به هر جهت این چهار کتاب، معرف قاضی سید نورالله هستند و رتبه و مقام علمی قاضی از آنها معلوم می‌شود.

### احقاق الحق

یکی از مؤلفات بسیار با اهمیت قاضی سید نورالله مرعشی، کتاب "احقاق الحق" است. اینک در این چند سطر زیر، انگیزه قاضی در مورد تألیف این کتاب آشکار می‌شود:

علّامه حلی یکی از علمای بزرگ شیعه و از مفاخر مجتهدین امامیه در قرن هفتم و هشتم هجری که به سال ۶۴۸ هجری قمری متولد و در سال ۷۲۶ وفات یافته است، (مجالس المؤمنین، ص ۵۷۴) در اثبات مذهب و امامت کتابی تألیف کرد به نام "کشف الحق و نهج الصدق" کتاب مزبور به نظر یکی از دانشمندان "فضل الله بن روزبهان" رسید و مورد اعتراض وی واقع گردید. فضل الله کتابی به نام "ابطال الباطل" در ردّ کتاب نامبرده "کشف الحق و نهج الصدق" نگاشت. قاضی سید نورالله مرعشی

شوشتری به کتاب "ابطال الباطل" دست یافت و ادله آن را مورد ایراد نگریست و کتاب "احقاق الحق" را در رد آن به رشته تحریر در آورد. (روضات الجنات، ج ۶، ص ۱۷)

### معارف اسلامی

کتاب احقاق الحق در حالی که بظاهر در حمایت از مذهبی والا و منزّه نگاشته شده، در واقع شامل یک دوره از اصول و معارف اعتقادی می باشد و مسائل و جزئیات علمی توحید، نبوت، امامت، معاد، مسئله عدل و توابع آن از قبیل حسن و قبح عقلی، آراء اشاعره و معتزله باقلمی شیوا و سلیس به زبان عربی در آن بیان شده است و در زمینه اثبات مسائل مورد نظر خود، در مقام رد و ایراد، از مسائل فلسفی و کلامی چیزی فروگذار نکرده است و گاهی چنان بحث طولانی و مفصل است و خواننده سرگرم و شیفته آن می شود که ممکن است غفلت کند از اینکه کتابی را در رد مطالب کتاب دیگر مطالعه می نماید. اینجاست که تفتن قاضی سید نورالله و ذکاوت و هوش و تقریر وی در حلّ معضلات و مشکلات علمی، معلوم و مورد تصدیق قرار می گیرد و روش جالب تنظیم موضوعات و اسلوب خاص قاضی سید نورالله از این کتاب، استنباط و هر خواننده ای را جلب و به تحسین از مصنف وامی دارد.

### تاریخ و مدت تأیید احقاق الحق

اکنون ملاحظه کنید کتابی به این بزرگی در چه مدت تألیف شده است. سید اعجاز حسین در کتاب "کشف الحجب و الاستار" پس از آنکه احقاق الحق را نام می برد، می نویسد: "قاضی نورالله این کتاب را در مدتی کوتاه نوشته است، مدتی که ممکن نیست کسی آن را استنساخ کند، کجارسد که خواسته باشد آن را تألیف و تصنیف نماید. خود قاضی در آخر کتاب "احقاق الحق" می نویسد: "نظم این



مرواریدهای زینت بخش، در هفت ماه بدون شب فراهم آمد. زیرا خستگی مفرط و ضعف قوا و فرسودگی بدن، مانع از آن بود که زودتر انجام پذیرد. لذا در آخر ماه ربیع الاول سال یک هزار و چهارده هجری قمری در شهر آگره هند پایان یافت. (فیض الاله، ص ۴۶)

### تمجید از کتاب احقاق الحق

علما و بزرگان، کتاب "احقاق الحق" را مورد تمجید قرار داده و از مؤلف آن قاضی سید نورالله تجلیل بسیار کرده اند. اینک نمونه ای از آنها:

۱- عالم جلیل "سید اعجاز حسین هندی" در کتاب "کشف الحجب والاستار" می نویسد: "کتاب احقاق الحق تألیف فاضل کامل ادیب عالم عامل، سید سند شهید قاضی نورالله مرعشی شوشتری مشهور به شهید سوم، در رد کتاب "ابطال الباطل" که فضل بن روزبهان به پندار خود در جواب کتاب "کشف الحق و نهج الصدق" علامه حلی تألیف کرده است می باشد. شیخ حُرّ عاملی گفته است: قاضی نورالله معاصر شیخ بهائی بوده و به سبب تألیف احقاق الحق کشته شده است." (فیض الاله، ص ۴۵)

۲- صاحب ریاض العلماء گفته است: "احقاق الحق کتابی است که فوائد بسیار در بردارد و کتابی بس مهم و باارزش است. مؤلف، آن را در بلاد هند در جواب ردّ یکی از علمای متأخر عامه بر کتاب "نهج الحق" علامه در مسئله امامت نوشته است و تألیف این کتاب، یکی از عوامل شهادت آن سید بزرگوار بوده است. کتاب احقاق الحق، کتابی معروف و در نزد علمایی که بعد از قاضی بوده اند مورد اعتماد و وثوق می باشد. (فیض الاله، ص ۴۵)

۳- حاج محمد جعفر صوفی، معروف به "کبودرآهنگی" در کتاب "مرآة الحق" صفحه ۹۷ چاپی آن کتاب، بعد از ذکر کتاب احقاق الحق و نقل پاره ای از عبارات آن

می نویسد: "انصاف آن است که چنانچه از بعضی از اساتید عظام خود که جناب مرحوم مغفور میرزا ابوالقاسم قمی باشد و بعضی فضیلا دیگر که جناب مرحوم مغفور میرزا محمد مهدی طباطبائی شهرستانی باشد، شنیدم که می فرمودند: قاضی کمال فضیلت و تحقیق و تتبع ردا داشته که به این نحو رد کلمات فاضل روزبهان رانموده و می فرمودند: که اگر علامه حلی، خود ایشان می خواستند به این نحو رد کلام و تزییف او نمایند، ما را اعتقاد این است که به این نحو ممکن نبود." (فیض الاله، ص ۴۵)

و نیز حاج محمد جعفر نامبرده در صفحه ۱۰۹ کتاب مزبور پس از ذکر "احقاق الحق" و "مجالس المؤمنین" از قاضی نورالله می نویسد: نفاست و شرافت این دو کتاب به مرتبه ای است که محقق محدث مولانا محمد تقی مجلسی فرموده است: "که بر هر شیعه لازم است این دو کتاب ردا داشته باشد." (فیض الاله، ص ۴۶)

۴- علامه فقیه محدث سید نعمت الله جزایری در کتاب "مقامات النجاة" گفته است: "خداوند، عالم متبحر، سید نورالله مرعشی شوشتری رحمة الله علیه را بر فضل بن روزبهان مسلط کرد و به وسیله کتاب "احقاق الحق" کتابی را که فضل در رد کتاب علامه حلی "کشف الحق و نهج الصدق" نوشته بود، رد کرد. من بهتر از این کتاب (احقاق الحق) ندیده ام، زیرا هر چه بر رد فضل بن روزبهان نوشته از کتب و احادیث خودشان می باشد." (روضات الجنات، ج ۶، ص ۱۷)

#### مجالس المؤمنین

مجالس المؤمنین یکی از مؤلفات مشهور قاضی سید نورالله مرعشی است. "افندی" در کتاب ریاض العلماء درباره این کتاب می نویسد:

"کتاب مجالس المؤمنین به فارسی نگاشته شده و کتابی بزرگ و مشهور است. قاضی در این کتاب جمعی از علما و راویان شیعه و گروهی از سلاطین، امرا، صوفیه

و شعرای امامیه را از زمان گذشته تا عصر خود به رشته تحریر درآورده است. انگیزه قاضی در تألیف کتاب مزبور این بوده که دیده است گروهی از مخالفان، بر شیعه طعنه می‌زنند که مذهب شیعه در آغاز ظهور دولت صفویه و خروج شاه اسماعیل صفوی پدید آمده است. " (فیض‌الله، ص ۴۷) قاضی بانگارش این کتاب ثابت کرده که شیعه تاریخی بس طولانی و با سابقه دارد و از همان اوایل اسلام، کلمه شیعه به هواخواهان و پیروان اهل بیت اطلاق می‌شده است.

#### نتیجه‌گیری:

از لابلای سطور این مقاله کوتاه، به این واقعیت غیر قابل انکار می‌رسیم که قاضی سید نورالله مرعشی شوشتری، محدثی والامقام، فقیهی عالی مرتبت، ادیبی لطیف الطبع بوده، در محاجه با خصم وارد و در مُجاب کردن مخالفان ورزیده بوده، در حمایت از معتقدات حقّه خویش جدّی و در دفاع از حریم تشیع سختکوش بوده است. جزاه الله عن الاسلام والمسلمین خیر الجزاء.

### منابع و مأخذ:

- ۱- امامزاده، حاج سید مصطفی. گلستان پیغمبر یا خاندان سادات مرعشی شوشتر. چاپخانه حیدری نجف ۱۳۷۴ هـ ق یک جلد. فارسی.
- ۲- امام شوشتری، سید محمد علی. تاریخ جغرافیائی خوزستان. ناشر: مؤسسه مطبوعاتی امیر کبیر. تاریخ چاپ اسفندماه ۱۳۳۱ یک جلد. فارسی.
- ۳- محدث ارموی، جلال الدین. فیض الاله. که با کتاب "الصوارم المهرقه" در یک جلد چاپ شده است. تاریخ چاپ ۱۳۲۷/۴/۶ هـ ق یک جلد. عربی.
- ۴- مرعشی شوشتری، علاء الملک. فردوس. در تاریخ شوشتر و برخی از مشاهیر آن. ناشر: انجمن آثار ملی. چاپخانه بهمن ۱۳۵۲ هـ ق یک جلد. فارسی.
- ۵- مرعشی شوشتری، قاضی سید نورالله. مجالس المؤمنین. ناشر: کتابفروشی اسلامیة تهران. دو جلد در یک مجلد. چاپخانه اسلامیة چاپ جلد اول ۱۳۷۵ هـ ق. چاپ جلد دوم ۱۳۷۶ هـ ق. فارسی.
- ۶- مرعشی شوشتری، قاضی سید نورالله. الصوارم المهرقه. ناشر: دارالکتب الاسلامیه تهران. چاپ دوم افست از روی چاپ اول ۱۳۳۶/۱۱/۱ هـ ق. یک جلد. عربی.
- ۷- مرعشی نجفی، آیه الله العظمی سید شهاب الدین. اللثالی المنتظمه والدرر الثمینة، در زندگی علامه حلّی و سلطان محمد خدابنده و فضل بن روزبهان و قاضی سید نورالله مرعشی شوشتری. با جلد کتاب اول احقاق الحق در یک جلد. چاپخانه اسلامیة تهران ۱۳۷۶ هـ ق. یک جلد. عربی. با کلمه اختصاری "اللثالی".
- ۸- موسوی خوانساری اصفهانی، محمد باقر. روضات الجنّات. ناشر: کتابخانه اسماعیلیان. تهران و قم. هشت جلد. عربی. جلد اول چاپخانه حیدری تهران ۱۳۹۰ هـ ق. جلد دوم تاریخ و محل چاپ ندارد. جلد سوم و چهارم چاپخانه مهر استوار قم ۱۳۹۱ هـ ق. جلد پنجم و هفتم چاپخانه مهر استوار قم ۱۳۹۲ هـ ق جلد ششم و هشتم چاپخانه مهر استوار قم.